

## جاده ۱۸۱:

### بخش‌هایی از یک سفر به فلسطین - اسرائیل

کانال تلویزیونی مشترک آلمان - فرانسه «آرته» (ARTE) به تاریخ ۲۴ نوامبر فیلمی چهار ساعت و نیمه (۲۷۰ دقیقه) دربارهٔ اوضاع عمومی اسرائیل - فلسطین نشان داد، کار مشترک دو سینماگر، یکی اسرائیلی (ایال سیوان Eyal Sivan) و دیگری فلسطینی (میشل خلیفی Michel Khaleifi). در زیر شرحی را که مجله تله راما (Télérama)، ۱۹ نوامبر ۲۰۰۳ در این باره نوشته می‌آوریم:

فیلمی مستند و تکان دهنده دربارهٔ الحاق فلسطین که در آن واکنش و اعترافات ساکنان مرزهای سال ۱۹۴۷ را مشاهده می‌کنیم. این فیلم خشم آلود را دو سینماگر یکی اسرائیلی و دیگری فلسطینی تهیه کرده اند و حتی اساس تشکیل دولت اسرائیل را مورد حمله قرار می‌دهند: «اسرائیل خواستار آشتی ست، اما بدون آنکه به حقیقت تن در دهد». میشل خلیفی در سال ۱۹۵۰ در ناصره (Nazareth) متولد شده و ایال سیوان در ۱۹۶۴ در حیفا. این فیلم مستند، شورشی و توهم زدا ست، تکان دهنده و استثنائی ست، همچون یک بمب که مشاهده کننده نیز آن را به همین نحو درخواهد یافت. آن‌ها طی بیش از یک سال، مشترکاً روی آن کار کرده و آن را ساخته‌اند. «جاده ۱۸۱» یک شهادتنامهٔ سینماتوگرافیک است و نگاهی ست منحصر به فرد دربارهٔ رو در رویی اسرائیل - فلسطین که در شرایطی که منطقه بین وحشت بی اندازه و امید نهائی به صلح در تردید و نوسان است نمک به زخم می‌پاشد.

[اضافه کنیم که نام گذاری این فیلم به «جاده ۱۸۱» اشاره ای ست به قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ دائر بر تقسیم فلسطین].

اینجا با نمایشی فاجعه بار روبرو هستیم که هنوز هیچ کس شمار پرده‌های آن را نمی‌داند. مسأله بر سر کل سرزمینی ست که آن را ملل متحد در ۱۹۴۷ تقسیم کرده و دولت اسرائیل را به وجود آورده است، یعنی بعد از زمانی که همسایگان عرب این برپایی (یا برپایی مجدد) دولت یهود را در فلسطین نپذیرفتند، دست به جنگ زدند، آن را باختند و برای اسرائیل این امکان را فراهم آوردند که مرزهای خود را در خطوط آتش بس سال ۱۹۴۸ مستقر کند که منافع بسیار بیشتری برای صهیونیست‌ها داشت. سپس در نتیجهٔ جنگ‌های دیگری که باز همسایگان عرب در آن‌ها شکست خوردند (اساساً در ۱۹۶۷)، اسرائیل باز قدرت بیشتری گرفت، سرزمین‌های زیادتری را تصرف کرد که همچنان در اشغال او باقی ست.

برای پایان دادن به این غصب و تصرف، مذاکراتی بین دو طرف، برای بازگشت اسرائیل به مرزهای قبل از جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ در سال‌های گذشته جریان یافته است.

اما کار این دو سینماگر فلسطینی و اسرائیلی در فیلم جاده ۱۸۱ چیست؟

آن‌ها با ساکنین گوناگون این مناطق ملاقات می‌کنند و با پرسش‌های خود سخنانی آتشین از زبان آن‌ها بیرون می‌کشند و کاری می‌کنند که کینه و بغض آنان (حاصل از خط مرزی بالقوه ای که مرده به دنیا آمد و قطعنامه ۱۸۱ ملل متحد بر آن استوار شد) سر باز کند. آیا این فیلم پیشنهاد می‌کند که باید به این نخستین خط مرزی بازگشت؟ نه! این فیلم مهم، تمام چهار ساعت و نیم وقت خود را صرف برخورد و کلنجار با سیم‌های خاردار، بن بست‌ها، دیوارها و مناطق ممنوعه، راه بندی‌ها، گذرگاه‌های پرپیچ و خم می‌کند. این فیلم از مرزها نفرت دارد و آن‌ها را از هر اعتبار تهی می‌کند. ایال سیوان می‌گوید: ۱۹۴۷ سال‌های ست که هندوستان را با بینشی همچنان استعماری و با تشکیل دولت پاکستان تجزیه کردند. در این امر، اهالی بومی حق اظهار نظر نداشتند. در فلسطین هم همین کار را کردند. آنچه در ۱۹۴۷ انجام شد قسمت کردن (partage) نبود، بلکه تجزیه (partition) بود. اصطلاح تقسیم و تجزیه کردن، هم جنبه نابرابر و ظالمانه «راه حل» پیشنهادی را بازتاب می‌دهد که به نفع یهودیان بود و هم جنبه شتابزده آن را. به چه

دلیل، حتی پیش از آنکه بین اسرائیل و فلسطین ازدواجی صورت گیرد طلاق را جایز شمردند؟ به جای آنکه يك کشور فلسطینی دولتی برپا کرده باشند که در آن یهودیان و اعراب با یکدیگر همزیستی کنند، امروز با دو موجودیت (دولت اسرائیل و فلسطینی ها) روبه رو هستیم که هرکدام دولتی هستند و در آن اعراب و یهودیان با کینه هرچه تمام تر به یکدیگر می نگرند و نتیجه آن گرایش مستمر اسرائیل است به پاکسازی قومی و تخلیه سرزمین های فلسطینی از اهالی آن. دیواری که دارند می سازند و ساحل غربی را در محاصره می گیرد چیزی جز شکل پوشیده ای از آن پاکسازی قومی نیست. دفاع از يك دولت قومی یهودی، عیناً به معنای دفاع از يك دولت قومی مسلمان است، همان کاری که شیخ یاسین رهبر حماس می کند. این است چیزی که برای ما غیرقابل قبول است. هدف فیلم ما این است که دیگر کسی نتواند خصلت استعماری جنبش صهیونیستی را انکار کند و دیگر اینکه به همگان خاطر نشان کند که اگر نپذیریم که فلسطینی ها از وطن شان اخراج شده اند، هرگز نمی توان درباره حق بازگشت آنان گفتگو کرد. خلاصه کلام اینکه فیلم جاده ۱۸۱ وظیفه خود را بازگشت به جوهر حقیقت می داند.

باری، اما آیا حقیقت را می توان با بمب به دست آورد، حتی اگر سمبلیک باشد؟ خلیفی و سیوان برای فیلم خود تیترا فرعی «بخش هایی از يك سفر به «فلسطین - اسرائیل» را برگزیده اند. قبل از هرچیز به همین وارونه کردن عمدی ترتیب عادی «اسرائیل - فلسطین» پردازیم [که البته در زبان های اروپایی] به ترتیب حروف الفبا ست، اما از نظر این دو سینماگر، به ویژه، از نوعی سلطه حکایت می کند. فیلم آن ها تصویر شهید تاریخ را که به یهودیان اطلاق می شود به فلسطینی ها می دهد و با این کار تیشه به ریشه اعتبار اخلاقی اسرائیل می زند. این وارونه کردن در همه جای فیلم دیده می شود. در سخنان ایال سیوان، مفهوم «پاکسازی قومی» به عمد و آگاهانه علیه یهودیان اسرائیل مطرح می شود و کلمه «گتو» در فیلم جاده ۱۸۱ اشاره به فلسطینی هایی ست که در سال ۱۹۴۸ در مسجدی در شهر کوچک «لد» گردآوری میشوند و سپس کشته و به آتش کشیده می شوند که خود اشاره ای ست شیطنت آمیز به گتوی ورشو که به دست ورماخت [ارتش نازی] در ۱۹۴۳ به خاکستر تبدیل شد.

برگشتن شمشیر انتقام تاریخ به روی یهودیانی که در نظر خلیفی و سیوان دستشان به همان خونی آلوده است که در جنگ ۱۹۴۸ با آن دولت اسرائیل را برپا کردند و به همین دلیل مقصر اند، با بی آبرویی های دیگری که صهیونیست ها هنگام پیروزی مرتکب شدند همراه است و نام آفریقای جنوبی دوره تبعیض نژادی عموماً در مقایسه با اسرائیل به میان می آید. نهایت وارونه شدن وضع را آنجا می بینیم که شعار «یهودیان را به دریا بریزید!» که زمانی در نهضت ملی فلسطین شنیده می شد در فیلم جاده ۱۸۱ چنان به عکس خود تبدیل می شود که يك اسرائیلی به عنوان آرزوی خود با صدای بلند می گوید «کاش غزه را آب بگیرد و عرب ها دیگر وجود نداشته باشند» آن وقت مشکلات ما حل خواهد شد.

و سرانجام می رسیم به آنجا که این دو سینماگر می خواهند به فیلم های مستند سینماگر مشهور، کلود لانزمان، پاسخ دهند. در اینجا نیز ترتیب کار را وارونه می کنند. در سال ۱۹۷۳، لانزمان فیلم «چرا اسرائیل» (بدون علامت سؤال) را ساخت و در آنجا از تنوع فوق العاده ملت اسرائیل پرده برداشت. سی سال بعد، در فیلمی که می تواند «زیرا اسرائیل» نام گیرد خلیفی و سیوان با همان کیفیت های خاص لانزمان و آن طور که شایسته مستند سازان بزرگ است (شکیبایی پیگیر، هشیاری وسوسه آمیز، پرسشگری دائم و سیری ناپذیر ...) بیزاری خود را از دولت اسرائیل نشان می دهند و صریحاً خواستار برپایی يك دادگاه نورنبرگ علیه آن اند: و از يك پیرمرد اسرائیلی که در اصل از اروپای مرکزی به آنجا آمده و در جنگ ۱۹۴۸ شرکت داشته می پرسند: تو در نفی بلد و نابودی [فلسطینی ها] شرکت داشته ای؟ و او جواب می دهد: «همیشه هستند کسانی از دیگران زرنگ تر که صد جور حرف می زنند...» مقابله کردن با کلود لانزمان از این هم فراتر می رود، آنجا که فیلم جاده ۱۸۱ برخی اسرائیلی ها را به اظهار نظر درباره اعراب وا می دارد. درست همان طور که لانزمان در فیلم «شوا» (۱۹۸۵)، لهستانی ها را به اظهار نظر درباره

یهودیان می کشاند. صحنه ای که یک آرایشگر فلسطینی را در شهر «لد» [نزدیک تل اویو] نشان می دهد که جریان یک کشتار طی جنگ ۱۹۴۸ را نقل می کند دقیقاً پاسخی ست به یکی از لحظات مهم فیلم «شوا» که در آن یک آرایشگر در تل اویو عملیات نابودسازی یهودیان به دست نازی ها را شرح می دهد که خود از آن فرار کرده است. میشل خلیفی اصراری به حفظ چنین «نقل قولی» در فیلم نداشته، اما ایال سیوان مایل بوده که به هر قیمت آن را بیاورد و می گوید: این را «ناشی از بدجنسی من» بدانید.

وقتی از او می پرسند که آیا به نظر وی دولت اسرائیل یک کشور دموکراتیک نیست، چنین جواب می دهد: «این تنها دموکراسی یهودی در خاور میانه است؛ البته هرچه بیشتر اشکنان [یهودیان اروپایی تبار] باشی اسرائیل برای تو دموکراتیک تر است. تصور چیزی بیش از این، خاک پاشیدن به چشم دیگران است زیرا در نظر یک فلسطینی، اسرائیل دموکراتیک تر از اردن، الجزایر یا عربستان سعودی نیست» و سپس این جمله افراطی را بر زبان می آورد: «آلمان نازی هم به چشم اعضای حزب ناسیونال سوسیالیست، یک دموکراسی بود».

وقتی بپرسیم آیا او برخلاف آلمان دیروز و بیرمانی امروز نتوانسته است آزادانه از اسرائیل فیلم برداری کند؟ پاسخ می دهد:

این هم باز خاک پاشیدن به چشم دیگران است. اسرائیل می داند که روزنامه نگاران، آنچنان از اینکه می بینند می توان زندانیان فلسطینی را در دادگاه بسته به زنجیر نشان داد کیف می کنند که فراموش می کنند این کارها ممنوع است و قبل از هرچیز باید آن را محکوم کرد».

۲۵۰۰ سال پیش، از حنجره یهودیان تبعیدی بابل این آواز بر می خاست که «ای اورشلیم، اگر ترا فراموش کنم...».

وقتی به ایال سیوان گوش می دهیم که خود را از ۱۹۸۵ پناهنده سیاسی در فرانسه می شناسد، می بینیم که این ترانه را واژگونه کرده تا بخواند: «فلسطین اگر ترا فراموش کنم دستم بریده باد و زبانم لال».

سیوان به تلخی می خندد و می گوید: «من این شانس را داشتم که به لطف کسانی چون میشل خلیفی درک کنم که اسرائیل در فلسطین واقع شده است. در آفریقای جنوبی کمیسیون حقیقت و آشتی تشکیل شد، اما در اسرائیل، آشتی را می خواهند، بی آنکه حقیقت را بپذیرند. شما به خاطر خشونت نمادینی که در فیلم مان به کار برده شده بر ما خرده می گیرید، حال آنکه من روی مکانیسم فوران رهایی بخش آن اصرار می ورزم. اسرائیل مرتکب پاک سازی قومی شده است. می شود روی این اصطلاح جر و بحث بیهوده کرد ولی چرا باید واقعیت را انکار نمود؟ در فیلم «جاده ۱۸۱» این ممنوعیت را از میان برداشته ایم. اسرائیلی ها اعتراف می کنند. تصور کنید که آوارگان منطقه جلیل (گالیله) در مقابل این صحنه چه حالی پیدا می کنند: «بالاخره اعتراف کردند».

سوگواری وقتی به پایان می رسد که به جنایت اعتراف شود. فیلم ما از عهده این کار بر می آید. از اینجا به بعد است که می تواند بین اشغال شده و اشغالگر مذاکره صورت گیرد. من تنها یک آرزو دارم و آن اینکه یهودیان اسرائیل دیگر مجبور نباشند یا کولون (استعمارگر) باشند یا آواره و سرگردان؛ بلکه سرانجام به خود بگویند: آیا ما حاضریم بومی این سرزمین شویم و در این منطقه همان جور که هست جذب و متوطن گردیم؟

---

\* این فیلم به زودی به صورت DVD به بازار خواهد آمد. شایسته ذکر است که پخش این فیلم روی کانال تلویزیونی آرته خشم محافل صهیونیستی را برانگیخته و آن ها به اعتراض علیه مدیریت این کانال دست زده اند.

(تهیه شده برای اندیشه و پیکار)